

پانصد هزار کیلومتر مربع شد و منافع حاصله از آن صرف تعلیم و تربیت عمومی میشود . هر سال نیکوکاران و توانگران نیز مبالغ قابل توجهی اعانه به مؤسسات فرهنگی میدهند . بعضی از آنان مانند رکفلر (۱) و کارنگی (۲) و فرد (۳) هیئت های دائمی بوجود آورده و از سود سرمایه ای که در اختیار آنها است هر ساله کمک های قابل توجهی بفرهنگ میشود .

عده ای از دانشگاه های درجه اول و دبیرستان های نامی از موقوفاتی که دارند مخارج خود را تأمین میکنند .

در نقاطی که بخواهند برای آموزشگاه ساختمانی بنا کنند باعتبار هیئت مدیره فرهنگ محل اوراق قرضه منتشر میکنند و در ظرف چند سال اصل و سود آنرا از محل بودجه فرهنگ می پردازند .

اکنون که طرز اداره کردن فرهنگ در امریکا ذکر شد به تشریح دستگاه تعلیم عمومی باید پرداخت .

در انگلستان نو که شامل چند مستعمره شمالی امریکا بود  
**آغاز تعلیم عمومی**  
 بواسطه کمکهائی که از قرن هفدهم از طرف حکومت از محل عوارض بااعانات بمدارس میشد تا اندازه ای وسیله تعلیم عمومی فراهم گردید ولی مطابق رسم آن زمان مدیر مدرسه نیز از اطفال شهریه میگرفت . در قرن هیجدهم نظارت برمدارس شهری از طرف نمایندگان مردم شهر بانجمنی واگذار و بر میزان عوارض افزوده شد تا اخذ شهریه موقوف گردد . باین ترتیب در نیمه قرن هیجدهم یعنی قبل از استقلال امریکا بسیاری از دبستانهای انگلستان نو مجانی بود . در قرن نوزدهم بواسطه زحمات و اقدامات هرس من (۴) از سال ۱۸۳۷ که مدیر کل فرهنگ ماساچوستس شد اصلاحات مهم در معارف آنجا بعمل آمد : مدارس شهری بهتر با معلم و وسایل کاملتر تأسیس گردید - دانشسرا ایجاد شد - بر مدت سال تحصیلی افزوده شد - از حیث برنامه و روش بهبودی محسوس بوجود آمد - در مردم شور و اشتیاق نسبت بفرهنگ تولید

Carnegie (۲)

Rockefeller (۱)

(۱۷۹۶-۱۸۵۹) Horace Mann (۴)

Ford (۳)

گرددند - در معلمین دل‌بستگی به شغل آموزگاری برانگیخته شد

نظیر اقدامات هرس من در بعضی از کشورهای متحد توسط پیشوایانی چون هنری بارنارد (۱) بعمل آمد. دروسی در باب تعلیم و تربیت در برخی از کالج‌ها داده شد - در بسیاری از کشورها اداره کل فرهنگ برپا گردید - مجله و کتاب زیاد بطبع رسید - عده‌ای از رؤسای فرهنگ برای مطالعه با اروپا اعزام شدند - روش آموختن با توجه با افکار و تجربیات پستالزی و مدارس آلمان اصلاح گردید ولی عملاً توجه با اهمیت اجتماعی و اقتصادی آموزش و پرورش همگانی و ایجاد مدارس مجانی عمومی در نیمه دوم قرن نوزدهم صورت گرفت چنانکه در ۱۸۶۷ در نیویورک و در ۱۸۶۸ در کشور نیوجرسی (۲) و می‌سی‌گان (۳) اخذ شهریه در مدارس رسمی بکلی موقوف شد و بتدریج دستگاهی برای تعلیم و تربیت بوجود آمد که بطرز شکفت آوری توسعه حاصل کرد.

با وجود متفاوت بودن دستگاه آموزش و پرورش کشورهای -  
**دستگاه آموزش و پرورش**  
 میتوان گفت که در امریکا پنج مرحله برای تعلیم و تربیت  
 موجود است: آموزشگاه نونهالان (۴) - کودکستان -  
 دبستان - دبیرستان - کالج و دانشگاه.

مدرسه نونهالان برای کودکان بین دو و پنج سالگی است و سبب تأسیس آن اینست که با پیشرفتهای روانشناسی و تجربه و آزمایش بشبوت رسیده است که ادراکات و احساسات طفل در سنین مذکور در اخلاق و رفتار او در تمام عمر تأثیر دارد. بنا بر این باید او را در محیطی پرورش داد که مولد ادراکات و احساسات مطلوب باشد.  
 کودکستان معمولاً در شهرها موجود و مختص اطفال بین ۴ و ۶ سالگی است. علت مهم تأسیس آن در ابتدا این بود که پدر و مادر هر دو در خارج کار میکردند و در روز فرزند خود را بکودکستان می سپردند تا از وی مراقبت شود. بعدها دانشمندان علوم تربیتی به حساس بودن اطفال بین چهار و شش سالگی پی بردند و فقدان زمین بازی

و فضا را در خانه های مسکونی شهر گوشزد کردند و لزوم کودکان را خاطر نشان ساختند. در کودکان درس داده نمیشود بلکه محیط مناسب برای رشد طفل فراهم میگردد. انواع عروسک و اسباب بازی - تصاویر زیبا - افزار و آلات کار بچگانه برای باغبانی و بنایی - مصالح ساختمانی چون ماسه و چوب و مقوا و کاغذ، اثنائاً کلاس کودکان را تشکیل میدهد. برنامه آن عبارتست از بازی و آواز و رسم و نقاشی و پای کوبی و نقل گوئی و طرز غذا خوردن و نشستن و برخاستن و راه رفتن و سخن گفتن و شست و شوی و نظیر آن. مربی کودکان در دانشسرا یا دانشگاه در این رشته تربیت شده و در این فن تخصص دارد. در پاره ای از نقاط کودکان عمارت مستقل ندارد و در دبستان جای دارد. مطابق سالنامه رسمی فرهنگ آمریکا که آخرین شماره آن راجع به ۱۹۴۶ میباشد در سال مذکور ۸۳۰۰۰۰ کودک در کودکانهای آمریکا پرورش می یافتند.

دبستان و دبیرستان بایکدیگر مربوط و در دنبال یکدیگر قرار دارند و برای تعلیم و تربیت تمام افراد ملت میباشد بهمین جهت آنها را مدارس عمومی نامند. دوره دبستان در هر یک از کشورها بر طبق قانون شش یا هفت یا هشت سال است. چنانچه دوره آن هفت یا هشت سال باشد دوره دبیرستان چهار سال است و اگر دوره دبستان شش ساله باشد در آن کشور دبیرستانهای رسمی نیز شش ساله است.

در بسیاری از ممالک متحده مخصوصاً در کشورهای شمالی و غربی تمایل بر اینست که دوره دبستان را بر اساس شش سال و دبیرستان را بر پایه سه سال دوره اول، و سه سال دوره دوم متوسطه قرار دهند زیرا شاگردانی که بدین ترتیب در دوره اول متوسطه تحصیل میکنند از حیث سن بین ۱۲ و ۱۵ خواهند بود و در اینصورت احتیاجات و حالات روحی و رشد آنها مشابه است و بعلاوه در دوره اول میتوان با استعداد و ذوق آنان پی برد و علاقه آنها را بدروس و رشته معینی کشف کرد و برای انتخاب یکی از شعبه های دوره دوم آنها را راهنمایی و ارشاد کرد.

طفل در پایان شش سالگی وارد دبستان میشود و وقتی آنرا پایان رسانید انتظار گرفتن گواهینامه ندارد زیرا چنین تصدیق نامه ای در آمریکا داده نمیشود ولی

در آخر دوره دبیرستان با مضای رئیس مدرسه و رئیس فرهنگ محل گواهی نامه‌ای بوی داده میشود. در ۱۹۴۶ در تمام امریکا ۱۹۷۰۰۰ باب دبستان و دبیرستان با ۲۶ میلیون شاگرد موجود بوده و این عدد در ۱۹۵۱ به ۳۰ میلیون رسیده است.

کالج و دانشگاه و دانشسراها برای تحصیلات عالی است. در این مدارس دانشجویان پس از چهار سال تحصیل و کامیابی در امتحانات بدرجه‌ای نائل میشوند که ممکن است B. A. (۱) یا B. Sc. (۲) یا B. Ped. (۳) یا B. Bus. (۴) یا نظیر آن باشد. چنانچه تحصیلات را لااقل یکسال ادامه دهند و در امتحانات توفیق یابند و رساله‌ای بنویسند درجه M. A. (۵) یا M. Sc. (۶) یا مانند آن خواهند گرفت. در صورتیکه دست کم دو سال دیگر دانش آموزند و پژوهش پردازند و پایان نامه‌ای تهیه و بتصویب رسانند باخذ درجه دکتری موفق میگرددند.

بعضی اوقات کالج کاملاً مستقل و واحد جداگانه‌ای است و در برخی از دانشگاهها کالج هسته مرکزی است و پس از ختم دوره آن وارد شعب تخصصی می شوند. در ۱۹۴۶ در تمام امریکا ۱۶۸۱ باب کالج مستقل و دانشگاه با ۱۸۵۱۶۷۶ دانشجو موجود بوده است.

**آموزش همگانی**  
از نیمه دوم قرن نوزدهم ببعده در هر يك از كشورها قانونی وضع شده که به موجب آن تعلیمات عمومی تاسن معینی اجباری و مجانی است. اگر تمام امریکارا در نظر بگیریم حداقل سن برای ورود دبستان شش و حداکثر سن تحصیل اجباری هیجده است. بنابراین در مالکی که این حداکثر مجری است شاگردان با هوش معمولی قادر با تمام دوره دبیرستان خواهند بود. در کشورهای دیگر دو سه سال از دوره دبیرستان جزو تحصیل اجباری است.

رایگان بودن تعلیمات عمومی منحصر بمعافیت از پرداخت شهریه نیست بلکه در بیشتر کشورها وسایل تحصیل از قبیل کتابهای درسی و نوشت افزار نیز مجانی داده

---

Bachelor of Science (۲)	Bachelor of Arts (۱)
Bachelor of Business (۴)	Bachelor of Pedagogy (۳)
Master of Science (۶)	Master of Arts (۵)

سن تقریبی	نوع مدرسه	کلاس	
	دانشگاه		
۲۲	کالج - دانش سرا - دانشگاه	۱۶	
۲۱		دانشگاه	۱۵
۲۰		کالج	۱۴
۱۹			۱۳
۱۸			۱۲
۱۷	دبیرستان چهار کلاسه	دوره دوم دبیرستان	۱۱
۱۶			۱۰
۱۵		۹	
۱۴		نخستین دوره دبیرستان	۸
۱۳		۷	
۱۲		۶	
۱۱		۵	
۱۰		۴	
۹		۳	
۸	دبیرستان	۲	
۷		۱	
۶	کودکستان		
۴		خانه	
۲	آموزشگاه نونهالان		

میشود و ناهار را هم به قیمت خیلی کم بشاگرد میدهند. اطفالی که اولیای آنها نتوانند هزینه فرزند خود را تأمین کنند در مدارس مخصوص شبانه روزی نگاهداری میشوند یا انجمن خانه و مدرسه با آنها کمک میکند.

در تمام مراحل تحصیل از مدرسه نونهالان تا دانشگاه پسر و دختر باهم هستند. منظور از تعلیمات عمومی تربیت عضو سالم برای جامعه است بنابراین برنامه شامل خواندن و نوشتن و حساب کردن و تربیت مدنی و موسیقی و بازی و کارهای دستی و رسم و نقاشی و بهداشت و وظایف الاعضاء و تاریخ و جغرافیاست. عده ساعات تدریس هر ماده و توزیع مواد بین کلاسها بسته بنظر رئیس آموزشگاه است تا آنجا که ممکن است اساساً بعضی از مواد در مدرسه‌ای تدریس نشود. باوجود اینکه اداره کل فرهنگ هر کشور مواد تحصیلی و طرز تعلیم آنها را در چند جلد چاپ کرده و برایگان در اختیار معلمین و مدارس گذاشته است بااینهمه در هیچیک از کشورها عین برنامه اجباری نیست و هر حوزه فرهنگی و هر آموزشگاه آزادی عمل دارد. بهمین جهت افکار نو و روشهای جدید در مدارس بوجود میآید و همینکه نتیجه مطلوب داد همه جا منتشر و موجب ترقی و پیشرفت میگردد.

در دبستان معمولاً هر کلاس يك معلم دارد که تمام مواد را تدریس میکند. در شهرها برای مواد اختصاصی چون موسیقی و درزی گری و کارهای دستی (درودگری - آهنگری - مکانیک - برق) و رسم و نقاشی و بازی و ورزش معلم مخصوصی دارند. در روستا تا زمانی که عده شاگرد از چهل نفر تجاوز نکند يك معلم يك دبستان شش تا هشت کلاسه را اداره میکند و شاگردانرا مثلاً بسه دسته تقسیم و ثلث وقت را در روز صرف یکدسته میکند و وقتی بتعلیم دسته‌ای اشتغال دارد دو دسته دیگر تکلیف کتبی انجام می دهند.

بواسطه توسعه راههای اسفالته و تکثیر وسایل نقلیه در بسیاری از کشورهای چهل و هشتگانه بتدریج در مراکز دهات دبستان کامل تأسیس کرده و بامدادان شاگردان با اتوبوس دبستان بمدرسه آیند و واپسین بازگردند و ناهار را نیز بربع قیمت در آنجا

صرف کنند. در ۱۹۲۸ عده دبستانهای يك معلمه ۱۵۳۰۰۰ و در ۱۹۴۶ عده مذکور به ۸۶۰۰۰ باب تقلیل یافته بود.

آموزگاران عموماً از دوشیزگان و بانوان هستند و چنانکه قبلاً اشاره رفت این سنت از زمان مهاجرت از شرق بغرب بوجود آمد که مردان بزراعت و تهیه معاش مشغول و تنها زنان بودند که بتربیت و تعلیم اطفال همت میورزیدند.

اکنون شکیبائی و حوصله بانوان - حساسیت آنها نسبت باحتیاجات کودک - ملایمت و مهربانی طبیعی آنها عواملی است که موجب بقاء این وضع شده است. احترام زیاد امریکائیان نسبت بزنان نیز از همینجا ناشی است که تقریباً همگی آموزگارزن داشته‌اند. در ۱۹۴۶ از ۶۰۶ هزار آموزگار در تمام امریکا تنها ۳۸ هزار تن مرد بوده‌اند.

روش تعلیم و تربیت و برنامه مدارس در آموزشگاهها متفاوت  
 است. مدارس مترقی در تحت تأثیر فلسفه پراگماتیسم (۱)  
 یا اصالت عمل که ویلیام جیمس (۲) حکیم شهیر مؤسس آن  
 بود و نظریات و آزمایشها و زحمات پیشوایان آموزش و پرورش چون جان دیوئی (۳)  
 رعایت عین برنامه رسمی را لازم نمیشمارند و معتقدند که تعلیم خواندن و نوشتن

روش و برنامه.

نظریات دیوئی

### Pragmatism (۱)

(۲) William James (۱۸۴۲-۱۹۱۰) صاحب تألیفات بکرونیس مانند کتاب

پراگماتیسم و روان شناسی و انواع سیرباطنی انسان. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به سیر حکمت در اروپا - جلد سوم - از صفحه ۲۵۳ بعد.

(۳) John Dewey (۱۸۶۲-۱۹۵۲) جان دیوئی بدون تردید بزرگترین و متنفذترین

پیشوای تعلیم و تربیت امریکا (و شاید جهان) در نیم قرن اخیر بوده و برای عملی ساختن نظریات خود از ۱۸۹۴ تا ۱۹۰۴ که استادی دانشگاه شیکاگو را برعهده داشت در آموزشگاه ضمیمه آن به آزمایش پرداخت و بنظریات و عقاید خود در باب تعلیم و تربیت جامعه عمل پوشاند و در حدود سی رساله و کتاب بتدریج تألیف نمود و نظریات و تجربیات خود را در آنها تشریح کرد. از کتب مذکور کتاب «مدرسه و شاگرد» و «مدرسه و اجتماع» توسط آقاسی مشفق همدانی و کتاب «آموزشگاههای فردا» توسط آقاسی امیرحسین آریانپور بفارسی ترجمه شده و کسانی که بخواهند به تفصیل بعقاید دیوئی پی ببرند می توانند بآنها مراجعه کنند.

و حساب کردن فقط قسمتی از وظیفهٔ مدرسه است و مهمتر از این سه ماده ایجاد عادات نیکو و مملکت فاضله و اخلاق حسنه در کودکان و پرورش آدم بتمام معنی است. دیوئی باتکاء فلسفهٔ اصالت عمل معتقد است که فقط مواد و موضوعاتی از برنامه دارای ارزش است که جنبهٔ عملی داشته باشد و زندگی انسان را بهتر و خوشتر کند بنابراین منظور از تعلیم و تربیت ترویج دانش مطلق نیست بلکه دانشی است که از لحاظ عمل و زندگی سودمند باشد و در ضمن تجربه و آزمایش بدست آید.



ویلیام جیمس  
(۱۸۴۲—۱۹۱۰)

عقیدهٔ مهم دیگر او اینست که مدتی را که طفل در مدرسه میگذراند قسمت مهمی از زندگی او است بنابراین نباید در این مدت او را زجر داد و زندگی را بر او تلخ کرد بامید اینکه وقتی بزرگ شد خوشبخت خواهد شد بلکه باید او را در مدرسه بکارهایی مشغول ساخت که خوش باشد و عادت به خوش بودن کند. بفرمودهٔ نظامی



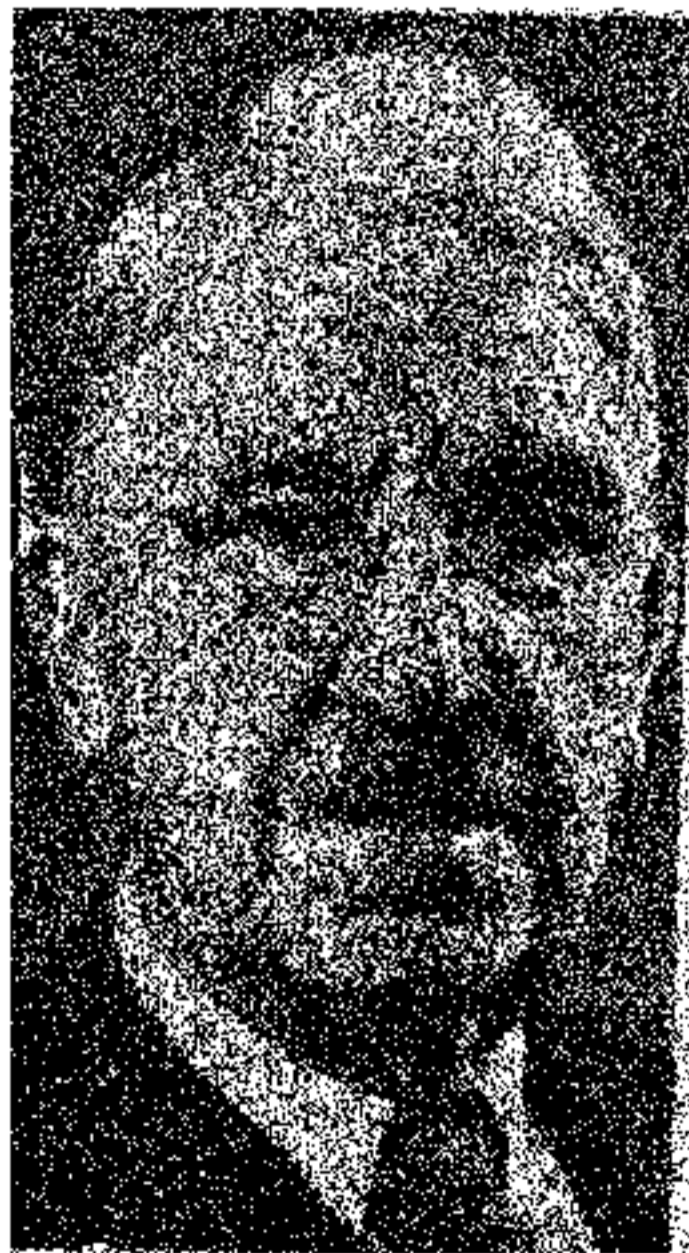
جهان از پی شادی و دلخوشی است      نه از بهر بیداد و محنت کشی است  
 دمی را که سرمایه زندگی است      بتلخی سپردن نه فرخندگی است

بنظر دیوئی تعلیمات عمومی مهمترین دردهای جامعه است و بنا براین برنامه مدرسۀ باید طوری تغییر کند تا آموزشگاه بصورت يك جامعه كوچك در آید. منظور از مدرسۀ باید مفید و مؤثر بودن از لحاظ اجتماع باشد نه فقط دانش آموختن و این منظور از شرکت در عملیات و فعالیت‌های خود جامعه یعنی مدرسۀ حاصل تواند شد. باطفال باید یاد داد چگونه در میان پیچ و خم‌ها و دشواریها و مشکلات زندگی اجتماعی و صنعتی زیست کنند و سعادتمند باشند. ازینرو برنامه نباید تنها تزریق معلومات باشد بلکه بازی - ساختمان - استعمال افزار و آلات کار - تماس با طبیعت - بیان مکتوبات خاطر از راه نوشتن و نقاشی و ساختن اشیاء گوناگون - عمل و کار و فعالیت باید اساس برنامه را تشکیل دهد. مدرسۀ باید جائی باشد که شاگرد بجای گوش کردن و مستمع بودن کار کند - از راه زندگی عملی زیست کردن را بیاموزد - از راه آشنائی با مؤسسات اجتماعی و سازمانهای صنعتی آنها را مطالعه کند و از آنها استفاده نماید.

کار مدرسۀ باید این باشد که مشکلات و پیچ و خم زندگی جدید را بجای کم و كوچك و ساده کند که اطفال بتوانند آنها را درك کنند و از راه تجربیات آسان بتدریج با زندگی جدید آشنا شوند. نخستین وظیفۀ آموزشگاه اینست که اطفال را برای همکاری و کمک بیکدیگر در زندگی و تشریک مساعی تربیت کند. وظیفۀ دیگرش اینست که در اطفال شخصیت ایجاد کند. آموزگار باید متوجه گردد که مرکز ثقل پرورش کودک در نفس اوست یعنی در غرائز و عواطف و فعالیت و اراده او بنا براین باید محیط مساعد برای ظهور عشق و ذوق طفل از راه اشتغال بکار و عمل که جوهر زندگی است فراهم آورد تا خود طفل شخصاً چیزهایی که بدان علاقه دارد و برایش ضروری است فرا گیرد نه آنکه معلم از روی کتاب و تقریرات خود محفوظات و معلوماتی بر او تحمیل نماید.

بعقیده دیوئی فضیلت مدرسۀ اینست که از راه عمل یاد بدهد و شاگرد از راه عمل

یاد بگیرد - مابقیچه ها و عضلات و چشم و احساسات و عواطف و بالاخره گوش طفل بکار  
افتد - نیرو و قوه ابتکار پیوسته در جریان باشد .  
هنوز در جهان نقاطی هست که فضیلت مدرسه منفی است و عبارتست از اطاعت  
و انقیاد و تسلیم . بعقیده دیوئی اطاعت صرف و انجام دادن تکالیف تحمیلی نه فقط برای مفید  
و مؤثر بودن در حیات اجتماعی و اقتصادی بلکه برای تشکیل جامعه آزاد و مختار و ایجاد  
حکومت ملی هم کافی نیست . در حکومت ملی مسئولیت امور به همه تمام مردم است  
و مدرسه باید شاگردان را طوری برای حیات سیاسی فردا تربیت و آماده کند که آنان  
مسئولیت بعهده گیرند و حس اجتماعی داشته باشند و هر يك در مدرسه سهم متناسبی از  
اداره مدرسه را تقبل و اجرا کنند .



جان دیوئی  
در نود سالگی  
(۱۸۶۲-۱۹۵۲)

طبق اصول مذکور مدارس مترقی امریکا بجای تدریس موادی چون زبان مادری  
حساب - هندسه - تاریخ - جغرافیا وقت طفل را در آموزشگاه صرف کارهایی میکنند

که بدان دل بستگی دارد مانند ساختن خانه - وسایل حمل و نقل از زمان قدیم تا عصر حاضر و تهیه نمونه‌های از هر دوره - طرز روشن کردن خانه در گذشته و حال و ساختن نمونه چراغها و شمعها و لامپ برق - بافتن پارچه بادست و کارگاه و ماشین - کاشتن صیفی - دوشیدن گاو در ایام سلف و امروز . . . . کودکان در حین عمل بارانمایی معلم تمام مواد معمولی برنامه را فرامیگیرند (۱) و علاوه بر خوش بودن در ساعاتی که بکار مشغولند مرد عمل و زندگی بار میآیند .

در مقابل این مدارس متری آموزشی آموزشگاه‌هایی نیز موجود است که شاگرد بیشتر مستمع و بیحرکت است و معلم گوینده و فرمانده و کتاب وسیله آموختن و تعلیم . مدارس دیگر امریکا بین این دو نوع قرار گرفته است .

یکی از علل پیشرفت فرهنگ در امریکا درك این حقیقت است  
اهمیت فرد  
که مدرسه برای شاگرد است نه شاگرد برای مدرسه و بنابراین آموزشگاه باید متناسب با استعداد و قابلیت و شایستگی طفل باشد . برای رسیدن باین مقصود در دبستانها و مخصوصاً در دبیرستانها تدابیری اندیشیده‌اند که برسییل مثال بعضی از آنها اشاره میشود . یکی از این تدابیر سنجش هوش است که بوسیله آن شاگردان طبقه بندی میشوند و کسانی را که هوششان تقریباً یکسان است در يك کلاس جای میدهند و در اینصورت درس برای تمام آنها يك اندازه قابل فهم خواهد بود . دیگر تأسیس کلاس مخصوصی است برای اطفال کم هوش که آموزگار متخصص دارند و بیشتر بکارهای دستی میپردازند . تدبیر دیگر استعمال طریقه‌های مخصوصی است که

(۱) چنانچه مثلاً ساختن خانه‌ای (در گوشه کلاس) موضوع درس باشد شاگردان پس از مشاهده و تحقیق در جاهائی که عمارت میسازند ، باید نوع مصالحی که لازم است معین کنند و بنابراین اسامی و نوشتن آنها را یاد بگیرند (زبان مادری - املاء) - مقداری که از هر يك از انواع مصالح برای ساختن خانه معین لازم است حساب کنند (حساب و هندسه) - مصالح را خودشان با مکتبه قبلی با فروشندگان با توافق آموزگار از کوره و بازار خریداری کنند و وجه آنرا بپردازند (زبان مادری - انشاء - حساب و هندسه) مکانی که مصالح از آنجا آمده و طرز تهیه آنها را یاد بگیرند (جغرافیا - علم الاشياء) . . . .

در آن اختلاف استعداد و ذوق رعایت میشود مانند طریقه دالتن (۱) و طریقه وینتکا (۲) و طریقه اسکارسدیل (۳). اصول کلی این طریقه ها از اینقرار است که برای هر شاگرد تکالیفی معین میکنند (۴) که در ظرف چند هفته انجام دهد و هر وقت خود او لازم بداند از معلم استمداد کند و گاهی نیز معلم از او پرسش هایی کند تا مطمئن شود که کار منظمأ پیشرفت می نماید.

**تعلیمات متوسطه** در امریکای دیرستان تنها برای آماده کردن شاگرد بورود دانشگاه نیست بلکه قسمتی است از دستگاہ تعلیم و تربیت برای تمام افراد ملت و منظور از آن اینست که بشاگرد وسیله بهترین زندگانی ممکن الحصول مثلا در رشته های کشاورزی و بازرگانی و صنایع داده شود. بهمین جهت تحصیلات متوسطه رایگان است. چون سن تحصیل اجباری در عده ای از کشورها به هیجده بالغ میشود در آنها تعلیمات متوسطه اجباری است. در کشورهای دیگر که سن تحصیل اجباری به ۱۸ نمیرسد چند سال از دوره دیرستان اجباری است.

در ۱۹۴۶ عده شاگردان دیرستانهای امریکا ۰۰۰ر۲۲۷ بود یعنی از شاگردانی که سنشان بین ۱۴ (ختم دوره دبستان ۸ساله) و ۱۷ بوده ۷۱ درصد مشغول تحصیل بوده اند. بواسطه محترم بودن کار بدنی و دستی در امریکا فارغ التحصیل های دیرستان از اشتغال بدان ناراضی نیستند و بهمین جهت هیچ يك بیکار نمی مانند و تشنجی که از کثرت فارغ التحصیل دیرستان پیدا میشود وجود ندارد.

(۱) Dalton نام شهری است در ماساچوستس که طریقه را ابتدا در آنجا پیدا کرده و بکار برده اند.

(۲) Winnetka شهری در کشور Illinois

(۳) Scarsdale در کشور نیویورک

(۴) مانند قرائت کتاب معینی و تلخیص آن - مشاهده آثار طبیعی و تاریخی محل و نوشتن شرح آن - تحقیق و جمع آوری اطلاعات و آمار در باب عوارض محلی و مخارج شهر مسکونی - حل چند مسئله حساب و هندسه راجع بشهر یاددهنده ای که مدرسه در آن واقع است - بهداشت جامعه - روابط بین المللی - عضویت جامعه و وظایف و تکالیف هر فرد - مطالب مهم روز اعم از داخلی و خارجی (مثلا در حال حاضر: جنگ کره - مسئله نفت ایران روابط مصر و انگلستان)

عده شعبه دبیرستان بسته باحتیاجات محل و تمکن حوزه فرهنگی است و مهمترین آنها عبارتست از شعبه کالج و دانشگاه که برای آماده کردن شاگرد بمنظور ورود بمدارس عالی است - شعبه تجارتي - فلاحتي - صنعتي - عمومي - خانه داري . انتقال از شعبه ای به شعبه دیگر دشوار نیست زیرا عده ای از مواد تحصیلی در تمام شعب مشترک است .

در هر شعبه دو سوم از دروس اجباری و يك سوم انتخابی است یعنی شاگرد مختار است از موادی که در دبیرستان تدریس میشود مطابق عشق و ذوق خود عده ای برگزینند . مواد مذکور ممکن است از دروس نظری شعب باشد یا از موادی چون موسیقی - نقاشی - ماشین نویسی - رانندگی و مکانیک اتوموبیل - انبارداری - برق و موارد استعمال آن در زندگی روزانه - صنایع دستی - حساب و هندسه عملی - طبخ - سخنگویی در رادیو . . . . .

برای راهنمایی شاگرد با انتخاب شعبه و شاید شغل آینده خویش دبیری که در این رشته علماء و عمال تخصص دارد سخنرانیهائی راجع به انواع مشاغلی که در حوزه فرهنگی موجود است - شرایط ورود و اشتغال بهر يك از آنها - ترتیب ترقی و کامیابی در هر يك - مخاطرات و مشکلات هر شغل ایراد میکند و آنها را بکارگاه ها و دکاکین و مغازه ها و محاکم و تجارتخانه ها و بانکها میبرد و کارکنان را معرفی میکند سپس با رعایت نمراتی که در درس ها گرفته اند و مشورت دبیران و اولیای دانش آموزان تصمیم مقتضی اتخاذ می شود .

نسبت به برنامه، رئیس دبیرستان آزادی کامل ندارد و محدودیت او از دو جانب است : یکی کالج و دانشگاه که شرایط ورود محصل را معین میکنند و شعبه مربوطه دبیرستان باید از آن پیروی کند - دیگر اداره کل فرهنگ کشور که مقرراتی برای اعطای اعانه معین کرده تا در صورتیکه دبیرستانی بدان نیازمند باشد مقررات مذکور را رعایت کند . این مقررات مربوط است به شرایط و اوصاف ساختمان - بهداشت مدرسه - آزمایشگاهها - کتابخانه - برنامه - حداقل عده دبیر .

شرایط اتمام دبیرستان و ورود بدانشگاه را از حیث میزان تحصیل، بشکل واحد زمان در آورده اند. هر واحد عبارتست از درسی که لااقل چهار ساعت در هفته بمدت یکسال تحصیلی داده شود. حداقل شرایط مذکور معمولاً داشتن ۱۵ واحد است که ده واحد آن اجباری و پنج واحد انتخابی است. واحدهای اجباری ممکن است مثلاً باین ترتیب باشد:

زبان انگلیسی	۳ واحد
علوم طبیعی	۲ واحد
ریاضیات	۲ واحد
علوم اجتماعی	۲ واحد
زبان خارجه	۱ واحد

بسیاری از دانشگاه ها فرهنگستان دبیرستانها را بدون امتحان نمی پذیرند ولی عده ای دیگر که با دبیرستانها تشکیل اتحادیه داده اند و بوسیله استادان خود آنها را بازرسی مینمایند و از اوضاع آنها رضایت دارند (والا جزو اتحادیه باقی نمی مانند) دارندگان گواهی نامه را از شعبه کالج و دانشگاه بدون امتحان پروانه ورود میدهند. اسامی چنین دبیرستانهایی از طرف اتحادیه ها طبع و بعنوان «دبیرستانهای معتبر»<sup>(۱)</sup> منتشر می شود.

در شهرهای بزرگ و پر جمعیت که سن تحصیلات اجباری تا هیجده سالگی است دبیرستانهای بسیار بزرگ موجود است که هر يك دارای چند هزار شاگرد میباشد و در حدود دویست ماده در آنها تدریس میشود و دانش آموزان همگی مجبور بانتخاب شعبه معینی نیستند بلکه هر نوع ترکیبی از دویست ماده مذکور که در دوران تحصیل جمعاً به ۱۵ واحد برسد و با مشورت اولیای دبیرستان انتخاب شود برای اتمام دوره متوسطه کافی است و باین ترتیب برای هر گونه استعداد و ذوق راه تحصیل باز و وسیله آن تا پایان سن تعلیمات اجباری فراهم است.

امتحانات در هر دبیرستان بنحو خاصی انجام میگیرد. در اکثر آنها بتدریج در ظرف سال تحصیلی توسط هر يك از دبیران بعمل میآید و وقتی نتیجه رضایتبخش باشد شاگرد مجاز به تعقیب بقیه ماده خواهد بود. در مملکت نیویورک برای شاگردانی که مایل باشند به کالج یا دانشگاههای دولتی وارد شوند امتحاناتی از طرف اداره کل فرهنگ که مقرآن در شهر آلبانی (۱) است ترتیب داده شده است. هر وقت شاگردی خود را برای دادن امتحان يك یا چند ماده حاضر دید برئیس دبیرستان اعلام میدارد و او توسط رئیس فرهنگ حوزه یا اداره کل فرهنگ اطلاع میدهد. اوراق امتحان کتبی را در پاکت لاک و مهر شده میفرستند و در تاریخ مقرر جلسه امتحان در دبیرستان تشکیل میشود و داوطلب در آن شرکت میکند. آنگاه اوراق برای تصحیح یا اداره کل فرهنگ ارسال و نتیجه بعداً ابلاغ میگردد.

کتاب درسی را کتابفروشی های بزرگ تهیه میکنند و نمونه یا ادارات کل فرهنگ میفرستند. معمولاً در ادارات مذکور کمیسیونی از معلمین و متخصصین هر رشته تشکیل میشود و هر کدام کتب مربوط برشته خود را مطالعه کرده نمره میدهند و معدل آنها را میگیرند و بهترین کتب باین ترتیب انتخاب میشود. صورتی از کتب درسی مذکور طبع و برای حوزه های فرهنگی ارسال میشود و در هر حوزه کمیسیونی از معلمین کتب مقتضی را از صورت مذکور اختیار میکنند.

یکی از مشخصات دبیرستانهای امریکا توجهی است که به پرورش اخلاقی دارند و برای این منظور قسمتی از وقت مدرسه را صرف اعمالی میکنند که در شاگرد قوه ابتکار - استقلال فکر - اعتماد بنفس - عشق بقبول مسئولیت و خدمتگزاری - همکاری و تشریک مساعی - اطاعت از قانون ایجاد کند. بهترین و مطمئن ترین راه ایجاد خصائل مذکور اینست که اوضاع و احوالی فراهم آورند که آن خصالت ها ظاهر شود و چون پدید آمد دارند آنها را تشویق کنند و پاداش دهند. ازینرو دبیرستان را چون جامعه ای فرض میکنند و شاگردان بر اهنمائی رئیس و چند تن از دبیران در تالار بزرگ مدرسه

(۱) Albany البته شهر بزرگ نیویورک نیز در همین مملکت نیویورک است.

جمع شده برای خود قانون اساسی مینویسند و طبق آن از میان خود عده‌ای را برای قوه قانون گذاری و قوه دادرسی و قوه مجریه بر میگزینند. در هر يك از هیئت هائی که بدین ترتیب تشکیل میشود یکی از دبیران بعنوان مشاور و راهنما شرکت میکند و باین ترتیب اداره و حکومت دبیرستان در دست خود دانش آموزان قرار میگیرد.

علاوه بر هیئت های فوق برای انجام دادن منظورهای معینی در هر دبیرستان چند انجمن بوجود میآید که هر کس بر حسب ذوق خود عضویت آنها را قبول میکند مانند انجمن سخنرانی - روزنامه نگاری - نمایش - موسیقی - ورزش . . . نتیجه کار این انجمن ها بصورت مجله و روزنامه و خطابه و نمایش و کنسرت و مسابقه های ورزشی در ورزشگاه یا تالار اجتماعات دبیرستان بمعرض تماشای شاگردان و اولیای آنها گذاشته میشود و کسانی که از عهده بر آیند بوسایل گوناگون مورد تشویق قرار میگیرند و بآنان جایزه میدهند.

در روستا دبیرستانرا دریکی از دهکده ها که مرکزیت دارد بنامیکند و شاگردان از اطراف و اکناف بامدادان با اوتوبوسهای حوزه فرهنگی بمدرسه میآیند و نهار را که دوشیزگان دانش آموز در تهیه آن شرکت دارند بهای ارزان (در حدود ربع قیمت واقعی) صرف میکنند و عصرها باهمان اوتوبوس بخانه باز میگردند.

از ۱۹۴۸ در امریکا جنبشی پدید آمده است بنام «سازگار کردن تعلیم و تربیت با زندگی» (۱). چون دبیرستان فقط برای پرورش فکر نیست عده ای از علمای تربیت معتقدند که شاگرد متوسطه را باید عضو جامعه ای که در آن زندگی میکند پنداشت و در آن صورت دید چه باید با او آموخت که نسبت بانجام وظایف اجتماعی ومدنی وشغلی خود کامیاب شود و در این باب رساله ها و کتابها نوشته و انجمن ها تشکیل داده اند تا منظورهای خود را عملی سازند.

در بیشتر ممالک جهان مسائل فرهنگی چون تهیه برنامه -  
تشخیص حسن و عیب کار معلم یا طریقه معینی از تعلیم و تربیت -  
روش علمی



میزان هوش و معلومات از روی حدس و قیاس بدست میآید. از اوایل قرن بیستم در امریکا روش استقرار یعنی روش علوم طبیعی را در تعلیم و تربیت بکار برده و نتایج نیکو گرفته‌اند. مراحل این روش بطور اختصار عبارتست از پژوهش - مشاهده - ثبت مشهودات - پیدا شدن فرضیه - تحقیق در صحت فرضیه - تعمیم - اعلام قانون. برای این کار در دانشکده‌های علوم تربیتی و دانشسراها و ادارات کل فرهنگ و انجمنهای تربیتی (۱) شعبه مخصوصی برای تحقیق و تتبع علمی راجع بفرهنگ تأسیس گردیده که از شرایط ورود بآن دانستن علم آمار و روان شناسی و لااقل یک زبان خارجه است. در نتیجه تحقیقاتی که برای پیدا کردن قواعد فراگرفتن - طرق آموختن - تهیه مواد تفصیلی برنامه - طرز اداره کردن مدرسه یا حوزه فرهنگی یا ممالکت - طریق اندازه گرفتن هوش و دانش - مقیاس خدمات معلم - چگونگی ساختن عمارت آموزشگاه - تهیه اثاثیه و مانند آن بعمل آورده‌اند طرق و وسائلی بدست آمده که کار تعلیم و تربیت را آسان و قضاوت انسان را تا اندازه قابل توجهی نزدیک بحقیقت میسازد. یکی از این وسایل امتحانات کتبی مخصوصی است بنام آزمون (۲) که برای تشخیص میزان معلومات و تحصیلات بکار میرود و از روی آن میتوان با اطمینان خاطر بطبقه بندی شاگردان - معاینه نواقص کلاس - تشخیص خوبی یا بدی طریق تدریس - تعیین عشق و ذوق شاگرد و استعداد او و مانند آن اقدام نمود. حسن بزرگ آزمون اینست که آنرا در مورد هزاران شاگرد همسال بکار برده برای هر یک از آزمونها مالک و مقیاسی پیدا کرده‌اند و قبلا میداند هر کس بفلان عده پرسش پاسخ بنویسد نمره اش از چه قرار است بنابراین نتیجه بطور صحیح و بدون تأثیر اوضاع و احوال و شخصیت ممتحن بدست میآید.

(۱) از جمله این انجمنها میتوان بطور مثال «انجمن ملی برای مطالعه امور فرهنگی»  
**National Society for the Study of Education** و جمعیت امریکائی تحقیق  
 در باب تعلیم و تربیت **The American Educational Research Association**  
 را نام برد که از فحول علمای تربیت تشکیل شده و صدها جلد کتاب و رساله و سالنامه  
 از تحقیقات علمی خود منتشر ساخته‌اند

### تربیت معلم

علاو بر دانشکده های علوم تربیتی که در دانشگاهها موجود

است چند صد باب دانش سرا در امریکا تأسیس گردیده که

همگی شبانه روزی و غیرمجانمی است. کسی که دبیرستان را با تمام رساننده و به معلمی دلبستگی دارد میتواند وارد دانشسرا شود و خود را علماً و عملاً برای تربیت نو نهالان و کودکان و معلمی دبستان یا دبیرستان آماده کند. برای تدریس در دبستان تصدیقنامه مخصوص دانشسرا که حاکی از لااقل دو سال تحصیل است کافی میباشد ولی برای تدریس در دبیرستان باید لااقل درجه B. A. از دانشسرا داشت - در بعضی از کشورها حتی درجه مذکور هم کافی نیست و باید لااقل درجه M. A. داشت.

کسی که تصدیقنامه یا دانشنامه بدست آورد با اداره کل فرهنگ (در کشوری که تصدیقنامه یا دانشنامه را اخذ کرده) مراجعه و پروانه معلمی که مدت آن عموماً دوسه سالست میگیرد. در اینصورت رئیس یکی از آموزشگاههای آن کشور حق دارد او را برای استخدام بر رئیس حوزه فرهنگی خود پیشنهاد کند. پس از يك یا دو سال تدریس چنانچه از خدمت و اخلاق او راضی باشند در مقام خود تثبیت میشود و از مزایای قانون استخدام استفاده میکند.

وقتی مدت پروانه منقضی شد باید آنرا تجدید کرد و الا نمیتوان به معلمی ادامه داد. شرط تجدید شدن پروانه اینست که صاحب آن معلومات تازه کسب کرده در مدت تعطیل نایستان یا روزهای شنبه که مدارس ابتدائی و متوسطه تعطیل است در دانشسرا یا در دانشگاهی تحصیل کرده و با ترقیات آشنا گردد و بازمان جلو برود.

دوره تحصیل در دانشسرا در بعضی از کشورها دو یا سه سال و در بقیه چهار یا پنج سال است.

حقوقیکه بمعلم داده میشود بسته بمقدار معلوماتی است که در دانشسرا یا دانشگاه کسب کرده باشد نه بکلاس دبستان یا دبیرستان. ازینرو هر معلمی سعی میکند دائماً بر معلومات خویش بیفزاید و نیز مطابق ذوق خود در کلاسی که مایل است بتعلیم و تربیت مشغول شود نه اینکه برای اخذ حقوق بیشتر مثلاً از دبستان بدبیرستان رود.

در بعضی از دانشگاهها دانشسرای عالی وجود دارد و کسانی را می پذیرد که دارای دانشنامه باشند و دروس تخصصی مانند مدیری مدرسه - بازرسی - ریاست فرهنگ - ریاست آموزش ابتدائی - . . . و درجه M. A. و دکتری میدهد.

صنایع ماشینی امریکا از ۱۸۶۰ رو بتوسعه گذاشت و از آغاز  
**تعلیمات فنی**  
 قرن بیستم پیشرفتهای بسیار سریع نمود. مقارن با توسعه مذکور صدها آموزشگاه بازرگانی توسط اشخاص در شهرها تأسیس گردید. ابراهام لینکلن رئیس جمهور نامی امریکا در بحبوحه جنگ داخلی میان کشورهای شمالی و جنوبی



آبراهام لینکلن  
 (۱۸۰۹-۱۸۶۵)

برای اینکه عامه مردم و بخصوص روستائیان از تحصیلات عالی بهره مند شوند و علماء و عملا برای خود و جامعه مفیدتر باشند اقدام بایجاد کالج های کشاورزی و صنعتی در تمام ممالک نمود: در ۱۸۶۲ قانونی بنام قانون مریل (۲) وضع شد که بر طبق آن بهر کشوری

که مایل بتأسیس کالج کشاورزی و صنعتی و خانه داری باشد زمین لازم (۱) برایگان باختیار آن کشور گذاشته خواهد شد. بعداً بموجب قوانین دیگر دوات مرکزی قسمتی از بودجه کالج را نیز پرداخت. باین ترتیب در تمام کشورها در ظرف چند سال از این مدارس برپا شد و خدمت بزرگی به بسط فلاح و مکانیک و خانه داری در میان مردم کرد.

در وسط جنگ جهانی اول نیز قانون دیگری بنام قانون اسمیت هیوز (۲) در ۱۹۱۷ بتصویب رسید که بموجب آن «هیئت مدیره تعلیمات حرفه‌ای» در واشنگتن از طرف دولت مرکزی تشکیل شد تا در هر کشوری که مایل باشد دبیرستانهای کشاورزی و صنعتی و خانه داری تأسیس و در تهیه معلم متخصص برای آنها کمک مالی کند.

اکنون کالج‌های مذکور سه وظیفه مهم برعهده دارند: (۱) تعلیم کشاورزی و دامپزشکی و مکانیک و خانه داری. در اکثر کشورها با کمک مالی دوات های جزو مواد دیگری از ادبیات و علوم طبیعی و ریاضی و علوم تربیتی و مهندسی و نظیر آن در کالج‌ها تدریس میشود که آنها را بشکل دانشگاه مستقلی در آورده است.

(۲) پژوهش در امور فلاح و دامپزشکی چون تشخیص آفات نباتی و حیوانی محل و پیدا کردن راه دفع آنها و کشت درختهای نو و نباتات جدید متناسب با هر اقلیم - کشف انواع گیاهان غذایی که بتوانند در مقابل آفات معینی مقاومت کنند ...

(۳) تربیت عملی کشاورزان سالمند و دهقانان در مزارع خودشان و بالا بردن سطح معلومات برزگران و بانوان و فرزندان آنها.

در جنگ دوم جهانی برای تربیت سربازانی که با ماشینهای جنگی آشنا باشند دوات مرکزی مدارس و کلاسهای بسیار تأسیس نمود و قریب یازده ملیون نفر در آنها تربیت کرد.

اکنون علاوه بر شعب فنی دبیرستانها و دانشکده های فنی که جزو دانشگاه ها است عده ای مدارس عالی فنی مستقل وجود دارد چون «آموزشگاه عالی فنی

(۱) بهین دلیل مدارس مذکور موسوم شده است به Land-Grant College

بتناسب عده نمایندگان هر کشور در مجلس مبعوثان واشنگتن، در حدود ۱۲۰ کیلومتر مربع

برای هر نماینده بکشور مربوط زمین داده شد. (۲) Smith - Hughes

ماساچوستس (۱) و کالیفرنیا که چون دانشگاه بزرگی وسایل تحقیق و تتبع و پیشرفت فنون مهندسی را داراست .

**دانشگاه ها** بطور کلی دو نوع دانشگاه در امریکا وجود دارد . نوع اول دانشگاههای خصوصی است که موقوفات بسیار دارند و از دانشجویان نیز شهریه زیاد میگیرند و شرط ورود بآنها سخت است . مشهورترین آنها عبارتست از کلمبیا (۲) - هاروارد (۳) - ییل (۴) - پرینستون (۵) - کرنل (۶) - جانز هاپکینز (۷) - لیلنداستنفورد (۸) . چهار دانشگاه اول در قرن هفدهم و هیجدهم میلادی بصورت کالج تأسیس و در قرن نوزدهم و بیستم بتدریج بدانشگاه تبدیل شدند . سه دانشگاه دیگر بترتیب در ۱۸۶۵ و ۱۸۶۷ و ۱۸۹۱ ایجاد شده اند .

فرقه کاتولیک و پرستان نیز هر يك چند صد کالج و چند دانشگاه تأسیس نموده اند و بآنها کمک مالی میدهند .

در دانشگاههای خصوصی معمولاً مؤسسين اولیه امنائی معین کرده اند که دانشگاه در تحت نظر آنهاست . هر گاه یکی از آنها استعفا یافت کند سایرین جانشین او را از میان رجال مهم و نامی برای تمام عمر انتخاب میکنند .

نوع دوم دانشگاههای دولتی است و در تمام کشورها وجود دارد و مخارج آنها را دولتهای جزو میپردازند . از لحاظ مالی ناظر دولتی هر گونه اطلاعی در باب جمع و خرج بخواهد بدو میدهند ولی در امور دانشگاه مداخله ندارد . شهریه کالجها و دانشگاههای دولتی کم و ناچیز است .

تعیین هیئت امنای دانشگاههای دولتی در هر کشور بنحو خاصی است . در بعضی از آنها مردم عده ای را چند سال یکبار انتخاب میکنند . در بعضی دیگر امنای از طرف فرماندار کل کشور ( که از طرف قاطبه مردم انتخاب میشود ) هر چند سال یکبار يك یا چند نفر که واجد شرایط قانونی باشند برای مدت مشخصی معین میشوند . در برخی از کشورها

Massachusetts (California) Institute of Technology (۱)

Columbia (۲) واقع در شهر نیویورک

Harvard (۳)

Yale (۴)

Princeton (۵)

Cornell (۶)

Johns Hopkins (۷)

Leland Stanford (۸)

شاغلین، پاره‌ای مقامات چون فرماندار کل و رئیس مجلس مبعوثان عضو هیئت امناء هستند و چند نفر نیز چند سال یکبار از طرف فرماندار کل به مجلس سنای کشور پیشنهاد و برای مدت معینی انتخاب میگردند. در هر دو نوع دانشگاه هیئت امناء رئیس دانشگاه را انتخاب میکنند و بودجه و مقررات استخدای را تصویب می نمایند. انتخاب مذکور ممکن است از میان استادان یا از خارج باشد.

برای تعیین رئیس دانشگاه بر حسب دستور رئیس دانشگاه کمیسیونی چند نفر را در نظر گرفته پیشنهاد میکند و رئیس دانشگاه یکی از آنها یا دیگری را به هیئت امناء معرفی میکند و رأی هیئت قاطع است.

شورای دانشگاه تشکیل میشود از استادان درجه اول و رؤسای دانشگاهها تصویب برنامه ها و آیین نامه ها و تعیین شرایط ورود بدانگاه و اعطای درجات علمی و مانند آن از وظایف شوری است.

عده دانشگاه و نوع آن در هر دانشگاه بسته به نیاز مندیها و میزان بودجه است. در دانشگاه کلمبیا علاوه بر دانشکده های ادبیات - علوم طبیعی و ریاضی - حقوق - پزشکی - فنی - یزدان شناخت دانشکده های ذیل نیز تاسیس گردیده است: بازرگانی - معماری - کتابداری - روزنامه نگاری - جراحی دهان و دندان - داروسازی - علوم سیاسی.

در دانشگاه های دولتی چون بودجه از محل مالیات تأمین میشود بر طبق درخواست مردم ممکن است بعضی از مواد که بیشتر جنبه عملی دارد نیز تدریس گردد. بهمین جهت و دلایل دیگر درجاتی که در دانشگاهها داده میشود و اغلب بیکدیگر شباهت دارد متساوی نیست و ارزش آنها باهم تفاوت دارد (۱).

(۱) کالجها و دانشسراها و مدارس عالی فنی و دانشگاهها هر کدام با نوع خود اتحادیه ای Association تشکیل داده اند. هر گاه یکی از مؤسسات عالی از لحاظ شهرت استادان - شرایط قبول کردن دانشجو - برنامه - عده و نوع آزمایشگاهها - کتابخانه و نظیر آن دارای اوصاف معینی باشد ممکن اینصورت تحصیلاتی که دانشجو در یکی از مؤسسات اتحادیه ممکن است تماماً یا به نسبت معینی در سایر مؤسسات آن هر اتحادیه صورت مؤسساتی که عضو آنست باقیداً شناخته میشود چاپ و منتشر میکند و مجموع تمام صورت در یکجا بنام فهرست مؤسسات عالیة معتبر Institutions طبع و توزیع مینماید و باین ترتیب هم مدارس عالیة معرفت کوشش میکنند تا خود را پیایه عضویت در اتحادیه ها

رد و در  
نموده

ن معتبر  
ر کزی

Acci  
بل خود

از جمله دانشکده‌هایی که در دانشگاه‌های امریکا تأسیس شده دانشکده علوم تربیتی است که اغلب بنام دانشسرای عالی (۱) خوانده میشود. در نتیجه تحقیقات و تتبعات و زحمات عده زیادی از دانشمندان و استادان از نیمه قرن نوزدهم موضوع تعلیم و تربیت



ساختمان اصلی دانشسرای عالی

دانشگاه کلمبیا - نیویورک

که از بارک مجاور عکس برداری شده است

توسعه حاصل کرد و بتدریج در قرن گذشته و حاضر هزاران جلد کتاب در این خصوص تألیف شد و مسائل مربوط بآموزش و پرورش از لحاظ علمی و فلسفی مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار گرفت تا آنجا که دارای قدر و منزلت عالی شد و حق ورود بدانگاه پیدا کرد و بعدی بسط یافت که به شعب مختلف تقسیم گردید و از مجموع آن دانشکده علوم تربیتی بوجود آمد. از دانشمندان برجسته‌ای که در این راه مقدم و پیشاهنگ بوده‌اند باید نام چند تن را در اینجا ذکر کرد چون ویلیام جیمس در روان‌شناسی علمی - جان دیوئی در فلسفه و روش تعلیم و تربیت و شاگرد ارشد او ویلیام کیل پتربک (۲) - فرانسیس

پارکر (۱) دربرنامه - پل منرو (۲) در تاریخ و فرهنگنامه آموزش و پرورش - کندل (۳)



پل منرو

۱۸۶۹-۱۹۴۷

در تعلیم و تربیت تطبیقی - ثرندایک (۴) در روان شناسی علمی و اطلاق آن بر امور

Paul Monroe (۲)  
Edward L. Thorndike (۴)

Francis Parker (۱)  
Isaac Kandel (۳)



فرهنگی - بینه (۱) فرانسوی وترمن (۲) و ویلیام مک کال (۳) در اندازه گیری هوش و دانش - هارولد رگک (۴) در علم آمار و روشهای آماری - کونتس (۵) در مبانی اجتماعی و اقتصادی تربیت - الکساندر (۶) وانگلهارت (۷) در مبانی و اصول اداری فرهنگ . . . . از بین دانشکده های علوم تربیتی، دانشسرای عالی دانشگاه کلمبیا واقع در شهر نیویورک از حیث استاد و دانشجو و آزمایشگاه و کتابخانه و برنامه و ساختمان و مؤسسات تحقیق و تتبع و انتشارات و مطبوعات و وسعت سرآمد دانشسرا های عالی امریکامیباشد و در بیست و پنج سال اخیر تحت ریاست ویلیام رسل (۸) مدارج ترقی را پیموده خدمات بزرگ بجهان معرفت و آموزش و پرورش نموده است .

در امریکا بطور کلی مدارس عالی شبانه روزی است و توجه مخصوص به پرورش اجتماعی و اخلاقی میشود . معمولا کسانی که دوره کالج را پایان میسرسانند دیگر در شبانه روزی اقامت ندارند .

دانشجویانی که استطاعت مالی ندارند باروزی دوسه ساعت کار در کالج یادانشگاه مخارج خود را تأمین میکنند .



از مجموع آنچه راجع بمعارف امریکا ذکر شد میتوان گفت در آن مملکت تساوی فرصت بحداعلی موجود است یعنی هر فرد توانگر یا درویش - کارفرمایا کارگر - معتقد بهر کیش و آئین - مرد یا زن تا اندازه ای که فطرت استعداد دارد میتواند دانش و ادب آموزد و بیالاترین پایگاه که درخور هوش و شایستگی اوست نایل آید .

---

Terman (۲)	Alfred Binet (۱)
Harold Rugg (۴)	William Mc Call (۳)
Alexander (۶)	George Counts (۵)
William F. Russell (۸)	Engelhardt (۷)